یادداشت

قانون کدام است و هدف از قانون‌گذاری چیست؟

اسعد اردلان
پژوهشگر حقوق و روابط بین‌الملل

قانون یکی از واژه‌های پرتکرار در زندگی اجتماعی مردم جهان است. از کودکی و نوجوانی و پس از آن بارها شـنیده‌ایم و فهمیده‌ایم که هر وجـه از زندگی انسـان‌ها، از انعقاد نطفه تا پس از مـرگ، نیز تحت قواعد و روش‌های نظام‌مندی اسـت که با هدف احقاق حق، ایجاد برابری و در نهایت در ایدئال‌ترین شـرایط، اطمینان‌بخشـی به مردم برای وجود سـامانه‌ای که استقرار عدالت، داوری میان نیک و بد، اعتدال در سزا و جزا را برعهده می‌گیرد و از درگیری‌های منفعت‌محور فردی و تنش‌های اجتماعی می‌کاهد و این باور را به وجود می‌آورد که سازوکاری برای پاسداری از حقوق خصوصی و عمومی مـردم وجود دارد و نظم و آرامش اجتماعـی را برقرار می‌کند و در مفهومی گسترده‌تر احساس امنیت اجتماعی را تداعی می‌کند.

از زمان‌های گذشـته و در جوامع مختلف انسانی، قانون یک فریضه اخلاقی و اجتماعی پنداشـته شـده و مورد احترام و لازم‌الرعایه بوده است. دلیل این احترام را نویسندگان حقوق، اثراتی مانند استقرار نظم اجتماعی دانسته‌اند که قانون را بر مبنای ارزش‌های فرهنگی جامعه و احترام به اراده عمومی انسان استوار کرده است.

اگرچه رژیم‌های سیاسی با ایدئولوژی‌ها و گرایش‌های متفاوت و درک انحصاری خود از زیست اجتماعی در جوامع و با اهداف تعریف‌شده، رویکردهای متفاوت بـه قانون دارند اما قوانیـن برای آنکه کارکرد ذاتی خـود را اعمال کند، از دو ویژگی مانند یکی شکل و شمایل واحد و طی تشریفات اغلب مشابه و دیگری از محتوایی برخوردارند که جامعه را به سمت همبستگی اجتماعی براساس یک وحدت رویه حقوقی دعوت می‌کنند. لاجرم قانون سـندی اسـت حاوی ارزش‌های اجتماعی و درخواسـت عمومی و انعطاف‌پذیر و پاسخ‌گو در برابر تحولات اجتماعی.

برای اینکه قانون از منظر شـکلی مشـروعیت یابد، شرایطی لازم است، مانند اینکـه قانون‌گذاران (نماینـدگان مجالس مقننه) طبق اصـول باید منتخب شـرکت‌کنندگان در رأی‌دهی باشـند. در چنین حالتی آنـان نماینده اکثریت برگزینندگانی هستند که در زمان رأی‌گیری با افکار و برنامه‌های او همسو یا به آن امیدوار بوده‌اند. مرسـوم است که داوطلبان نمایندگی، افکار و برنامه‌های خود را بر مبنای انتظـارات عمومی و نیازهای روز جامعه تنظیم و ارائه کنند. همچنین تلاش می‌کنند که در دوران نمایندگی رودرروی خواست‌های عمومی موکلان خود قرار نگیرند. پایبندی به این تصور در دورانی که جامعه ایستا و بر روالی ثابت پیش می‌رود، چندان مشکل نیست، اما در جوامع پویا و در دورانی که با تحولات اجتماعی روبه‌رو هسـتند، معمـولا نماینده تلاش می‌کند برای حفظ مشـروعیت نمایندگی خود، درک درستی از تحولات اجتماعی داشته و با خواسـت عمومی همراه شود و آنها را در تدوین قوانین بازتاب دهد یا مردم را متوجه نیازهای ضروری توسـعه‌گرایانه جامعـه کند که به رفاه و امنیت و آسـایش عمومی منجر می‌شود. در چنین حالتی اسـت که قانون از حمایت عمومی برخوردار شده و به همبستگی اجتماعی بیشتر منجر می‌شود. آزمودن چنین وضعیتـی را می‌توان از واکنش‌های اجتماعی دربـاره تصویب قوانین دریافت کرد.

از سـوی دیگر، امروزه در جوامعی که پارلمـان و حکومت‌های برآمده از رأی مردم دارند، به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده است که قوانین رابطه مستقیمی با عوامل اجتماعی و روانی جوامع دارند و به‌همین‌دلیل نیز از امکان تغییریافتن و اصلاح برخوردارند. این یکی از مباحث مهم در جامعه‌شناسی حقوقی است که به نام جامعه‌پذیری حقوق از آن یاد می‌شـود. هر قانون حامل ارزش‌هایی اسـت که در جامعه مورد نیاز و پسـند و احترام عمومی‌انـد. باوجوداین، این ارزش‌ها به‌ویژه در دوران در حال تحول سریع ما ثابت و یکنواخت نیستند و در گذر زمان جایگزین می‌شوند. تغییرات در انتظارات نسل‌ها، نیازهای روزافزون اجتماعی و فرهنگی و حتی اقتصادی و پیشـرفت‌های علمی و فناوری در این تغییـرات و دگرگونی ارزش‌ها و سـلیقه‌ها نقش انکارناپذیـری دارند. تجربه قانون‌گذاری از دوران باسـتان تاکنون نشـان داده است که در نتیجه تغییرات اجتماعی، گاهی قوانین در تعارض با درخواسـت‌ها و انتظارات عمومی قرار می‌گیرند؛ یعنی مردم یا بخش درخورتوجهی از جامعه به‌ویژه نیروهای فعالی که در توسعه و پیشرفت جامعه نقش مؤثر دارند، به دلایل گوناگون با محتوا و منطق قانون موافقت ندارند. در چنین حالتی اگر دسـتگاه اجرائی اصراری بر تحمیل چنین قوانینی داشـته باشـد، با مقاومت روانـی و مدنی مردم در متابعت از آن روبه‌رو شـده و نه‌تنها قابلیت اجرائی خود را از دست می‌دهد؛ بلکـه اعتماد مردم را به قوه مجریه و قضائیه زایل می‌کند و به نارضایتی‌های اجتماعی دامن می‌زند.

قوانیـن برای ایجاد نظم از طریق قانع‌کردن مردم به پیروی اسـت. اگر زمانی از قوانین برخلاف این هدف، با هدف دیگری مانند ترسـاندن مردم از مجازات اسـتفاده شـود، قانون کارکرد طبیعی و منطقی خود را از دست می‌دهد، زیرا قوی‌ترین انگیزه‌ای که انسـان شهروند را وادار به مراعات و متابعت از قوانین موضوعه می‌کند، منطقی‌بودن و جامعه‌پذیری قانون اسـت. درک این اصول، مبانی، رویه‌ها و تحولات برای قانون‌گذاران بسیار ضروری است. اگر قانون‌گذار نتواند یا نخواهد همراه با این تغییرات حرکت کند، بدون‌شک در معرض تهدید ازدست‌دادن مشروعیت خود در نزد رأی‌دهندگان قرار می‌گیرد. قوانین از نظر اهمیت نیز در دسـته‌بندی‌هایی قرار می‌گیرند. قانون اساسی بنیادی‌ترین سند حقوقی مشـروعیت سیاسی یک کشـور و نظام سیاسی دارای حاکمیت بر آن و زیربنای مشـروعیت و دیگر قوانین اسـت. ازاین‌رو تدوین آن پروسه‌ای نسبتا طولانی‌تـر از دیگر قوانین را طی می‌کند و نمایندگان آن را «مؤسسـان» یعنی کسانی که با اشـراف کامل و توانایی جمعی و همه‌جانبه و متأثر از وضعیت اجتماعی و جامعه‌شناسی حقوق، بنیاد قوانین یک جامعه را پی‌ریزی می‌کنند، و مواد آن را «اصول» یعنی مبانی حقوقی برتر از مواد قوانین منبعث از قانون اساسـی می‌نامند؛ زیرا نظام حقوقی کشـور براساس‌آن و باید بدون تخطی از آن شـکل گیرد. این اصل تا زمانی که قانون اساسـی تغییر نیابد، برقرار است. برای تضمین چنین روشـی نیز یا مجلسـی بالاتر از مجلس عادی نمایندگان را برای نظارت بر تدوین قوانین عادی تعیین می‌کنند یا دادگاه قانون اساسـی پیش‌بینی می‌شـود. چنین تاکیدی هم در قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل ۷۱ شـده و حدود اختیارات قوه قانون‌گذاری تعیین شده است که بر این مبنا «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌توانـد قانون وضع کند». این نکته از منظر حقوقی حائز اهمیت اسـت که اگر هنگامـی در تصویب یک لایحه توجه نمایندگان تنها به این اصل معطوف شـود و دیگر اصول قانون اساسی در رتبه پایین‌تری از مواد فصل ششـم قرار گیرد، نمی‌توان انتظار داشت که لایحه از شخصیت و ماهیت قانون برخوردار شده است.

ادامه در صفحه ۳

گزارش «شرق» از زندگی سیاسی کارتر و نقش‌آفرینی‌های او در مواجهه با ایران

کارتر و شکست هایش

عبدالرحمن فتح‌الهی: دیروز دوشـنبه ۲۹ دسـامبر ۲۰۲۴ (دهم دی‌ماه)، جیمی کارتر، سـی‌ونهمین رئیس‌جمهور ایالات متحده درگذشـت؛ فردی که بیش از هر رئیس‌جمهـور دیگری در تاریخ آمریکا، نامش با ایران گره خورده است. این درهم‌تنیدگی تا جایی اسـت که نه‌تنها مورخان و ناظران، بلکه به اعتراف رسمی خود کارتر، علت اصلی شکسـتش در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۹۸۰ میلادی در برابر رونالد ریگان، به واسطه بحران گروگان‌گیری سـفارت در ایران و نیز شکست در عملیات پنجه عقاب در طبس بود. جالب‌تر اینجاست که درگذشت کارتر، درست هم‌زمان با سفر وی در سال ۱۳۵۶ شمسی به ایران بود. دوران ریاست‌جمهوری او (۱۹۷۷ تـا ۱۹۸۱) با تحولات مهمی در عرصه جهانی همراه بود، ازجمله انقلاب اسلامی ایران که تأثیرات عمیقی بر روابط ایران و آمریکا و سیاست خارجی این کشور داشت.

دوره چهارساله ریاسـت‌جمهوری کارتر را می‌توان ترکیبی از موفقیت‌ها و ناکامی‌ها دانست که اگرچه در موفقیت‌ها به توافق بزرگـی مانند کمپ‌دیوید و صلح اعراب و اسـرائیل دسـت پیدا کرد، اما کفه شکسـت‌هایش به‌خصـوص در قبال موضوع ایران، سـبب شد نتواند بیش از یک دوره کلیددار کاخ سفید باقی بماند. ریاسـت‌جمهوری کارتر از سوی برخی دانشوران ازجمله استیون هیـوارد، به‌عنوان یـک ناکامی دیده می‌شـد و در رتبه‌بندی‌های تاریخی رئیس‌جمهورهای ایالات متحده آمریکا، ریاست‌جمهوری کارتر در بین جایگاه هجدهم تا سی‌وچهارم قرار دارد. منتقدان او را سیاست‌مداری ساده‌لوح و غیرعمل‌گرا می‌دانستند که بیش از حد به اصول اخلاقی پایبند بود و توانایی تطبیق با واقعیت‌های پیچیده سیاست را نداشت. همچنین عدم ارتباط مؤثر او با کنگره، مانعی بـرای اجرای برنامه‌هـای داخلی‌اش شـد. در مقابل آنچه گفته شد، بسـیاری کارتر را از معدود سیاست‌مداران و رؤسای جمهور آمریکا می‌دانند که همواره تلاش داشت به مبانی اخلاقی، به‌ویژه صداقت پایبند باشد و به واسـطه پز سیاسی بود که کارتر در کنار سـه رئیس‌جمهور دیگر آمریکا موفق به کسب جایزه نوبل صلح سال ۲۰۰۲ شـد. به‌جز کارتر، تئودور روزولت در سال ۱۹۰۶، وودرو ویلسـون در سال ۱۹۱۹ و باراک اوباما در سـال ۲۰۰۹ برنده جایزه نوبل صلح شده‌اند.

رئیس‌جمهور بدشانس

جیمی کارتر دوران کودکی خود را در خانواده‌ای کشـاورز و در فضایی ساده سپری کرد که این تجربه، تأثیری عمیق بر شخصیت و دیدگاه سیاسی او گذاشت و رابطه‌ای نزدیک با طبقات متوسط و روستایی برایش به ارمغان آورد. همین زیست روستایی کارتر سبب شـد تا علاوه بر تلاش برای اصلاحات داخلی در آمریکا، سیاست مشـابهی را مانند جان اف کنـدی برای هم‌پیمانان خود تجویز کند. با وجود آنکه دو سال پس از روی کار آمدن کارتر، انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ به سقوط نظام پهلوی در ایران و تأسـیس جمهوری اسلامی منجر شـد، ولی شـاه ایران که متحد نزدیک ایالات متحده بود، با حمایت کارتـر تلاش کرد اصلاحاتی انجام دهد. البته نارضایتی‌های گسترده مردمی، عملا نسـخه اصلاحات کارتر برای ایران را ناکام گذاشت. به گمان بسیاری، وقوع انقلاب اسلامی در ایران یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاسـت خارجی دولت او (کارتر) بود. این بحران به شـکل جدی‌تر و عمیق‌تر، کارتر را از سـال‌های ابتدایی ۱۹۷۸ که میهمان شاه ایران در شـب ژانویه (شب سال نو) در کاخ نیاوران بود، درگیر کرد.

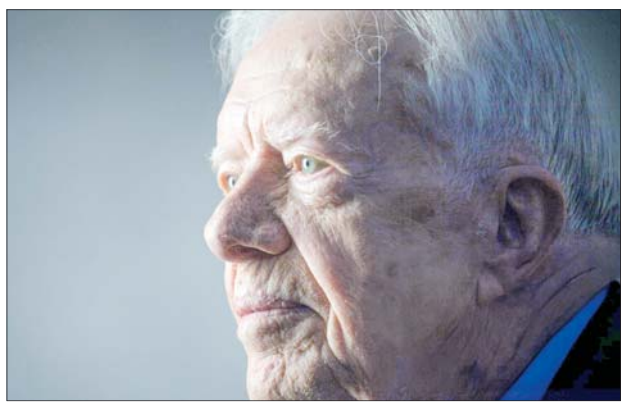

بـا آغاز حرکت انقلابی مردم ایران، کارتـر در ۱۰ دی ۱۳۵۶ به تهران سفر کرد تا حمایت کامل واشنگتن را به محمدرضا پهلوی ابلاغ کند. کارتر در ضیافتی که از طرف شـاه به مناسبت ورودش ترتیب داده شـده بود، خطاب به محمدرضاشاه چنین گفت: «به دلیل رهبری بزرگ شاه، ایران جزیره ثبات در یکی از آشوب‌زده‌ترین نقاط جهان شـده اسـت. اعلی‌حضرت، این به دلیل تکریم بسیار نسبت به شـما، رهبری شما و احترام و سـتایش و عشقی است که ملت ایران به شـما دارد. هیچ کشـور دیگری در جهان برای برنامه‌ریزی مشترک از ایران به آمریکا نزدیک‌تر نیست. هیچ کشور دیگری برای بررسـی مشـکلات منطقه‌ای که مورد علاقه هر دو طرف ما نیز هسـت، ارتباط نزدیک‌تری از ایـران با ما ندارد و هیچ رهبر دیگری نزد من احترامی عمیق‌تر و رابطه‌ای دوستانه‌تر ندارد».

به دنبال سفر دهم دی‌ماه ۱۳۵۶، خبرگزاری فرانسه از برگزاری ۱۰ تـا ۱۲ تجمع و تظاهـرات پراکنده ضدآمریکایـی در گروه‌های کوچـک در ۱۰ تا ۱۲ منطقه تهـران خبر داد. آن‌طور که ایسـنا در مطلبی آورده است، تجمع‌ها و تظاهرات‌ها با پیشتازی دانشجویان و دوستداران رهبرِ در تبعید علاوه بر داخل دانشگاه تهران به خیابان تخت جمشید تهران (مطهری فعلی) رسید. علاوه بر آن، جمعی از مردم معترض تهران در اعتراض به سفر کارتر به ایران، قصد ورود به شرکت کشت و صنعت آمریکا را که در خیابان قوام‌السلطنه (۳۰ تیر فعلی) مستقر بود، داشتند که با دخالت نظامیان ارتش و شلیک هوایی جلوی آنان گرفته شد. علاوه بر تهران، خبر رسید که در شهر بابل نیز جمعی از دانش‌آموزان دانش‌سـرای راهنمایی تحصیلی این شهر در اعتراض به بازداشت یکی از دبیران دانش‌سرا که علیه شاه و آمریکا صحبت کرده بود، تظاهرات کردند. دامنه اعتراضات و راهپیمایی‌ها در روز سـفر کارتر، مرزهای ایران را رد کرد و به داخل آمریکا کشیده شد. دانشجویان ایرانی ساکن لس‌آنجلس و واشنگتن نیز به این سـفر اعتراض کردند. آنان در لس‌آنجلس با راه‌انداختن تظاهرات و سـردادن شعار علیه شـاه ایران، به سفر کارتر به ایران اعتراض کردند. ۴۰۰ نفر از دانشجویان ایرانی ساکن واشنگتن نیز در اعتراض به این سفر، با تجمع مقابل کاخ سفید در بین مردم اعلامیه اعتراضی پخش کردند.

جزیره ثبات یا بی‌ثباتی!

در حالی کارتر در میهمانی کاخ نیاوران، ایران سـال ۵۶ شـاه را «جزیـره‌ای باثبـات» در یکی از آشـوب‌زده‌ترین مناطق جهان دانسـت که یک هفته پس از این اظهـارات رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، انتشار یک مقاله در روزنامه اطلاعات و توهین‌های بی‌سـابقه به امام خمینی(ره) که در تبعید بود، موتور اعتراضات گسترده در شـهرهای مختلف ایران را روشن کرد و یک سال بعد نیز به وقوع انقلاب اسـلامی در ایران منجر شد. از ۱۷ دی ۱۳۵۶ با چاپ مقاله «ایران و استعمار سرخ و سیاه»، حرکت انقلابی مردم ایران ابعاد تازه‌ای یافت و با تظاهرات و اعتصابات گسترده در طول سـال ۱۳۵۷ ادامه یافت. کارتر به‌طور مرتب از طریق ویلیام هیلی سـالیوان، سفیر آمریکا در ایران و اردشیر زاهدی مسائل مربوط به ایران را پیگیری می‌کرد. برژینسـکی، مشاور امنیت ملی کارتر، در خاطراتش چنین می‌نویسـد: «در روز سوم نوامبر ۱۹۷۸ (۱۲ آبان ۱۳۵۷) به دسـتور رئیس‌جمهور از ساعت نُه و پنج دقیقه تا نُه و یازده دقیقه مستقیما با شاه گفت‌وگو کردم. به شاه گفتم که آمریکا بدون هیچ ملاحظه‌ای در بحران کنونی کاملا از شـما پشـتیبانی می‌کند». برژینسکی در ادامه خاطراتش چنین آورده است: «هدف من از تماس با شاه، روشن‌کردن این مطلب بود که رئیس‌جمهور آمریکا از او پشـتیبانی کرده و درصدد بودم او را تشـویق به انجام اقدام قاطع کنـم، پیش از آنکه اوضاع از کنترل خارج شـود، اما ماه‌ها بود که اوضاع از کنترل شـاه خارج شده بود». سرانجام دو روز بعـد از این تماس، در ۱۴ آبان ۱۳۵۷، جعفر شـریف‌امامی که نخست‌وزیر وقت بود، در مقابل مشکلات فراوان تاب نیاورد و پس از ۷۰ روز صدارت اسـتعفا داد تا ارتشبد غلامرضا ازهاری، کابینه نظامی خود را به شاه معرفی کند. در ۲۱ نوامبر ۱۹۷۸ (۳۰ آبان‌ماه ۱۳۵۷)، کارتر در دیدار با زاهدی از او خواسـت تا پشتیبانی شدید ایالات متحده آمریکا از شاه و نیاز به نشان‌دادن قاطعیت از سوی او را به شاه اعلام کند. کارتر که می‌دید ایران در حال خروج از اردوگاه غرب است، در روز پنجشنبه ۱۴ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۴ دی ۱۳۵۷)، ژنرال رابرت هایزر، معاون فرماندهی نیروهای مسلح آمریکا در اروپا را به تهران فرستاد تا از فروپاشی ارتش شاهنشاهی ایران در پی خروج شـاه از کشـور جلوگیری کند و هم‌زمان نظامیان را از دست‌زدن به اقدامی نسـنجیده یا خشـونت‌آمیز بر ضد دولت شاپور بختیار بازدارد. سرانجام هایزر در ۱۴ بهمن ۱۳۵۷ تهران را ترک کرد.

کارتر و وادارکردن شاه به سرکوب بیشتر مخالفان سیاسی

هرچند کارتر دموکرات مانند سـلف خود کندی، به اصلاحات سیاسـی-اجتماعی به‌عنوان نسـخه‌ای برای آمریکا و کشورهای هم‌پیمان تأکید داشـت، اما گویا کارتر روی دیگری هم دارد؛ آنجا که به گزارش مرکز اسـناد انقلاب اسلامی، ۲۷ آذرماه سال ۱۳۵۷ در خاطراتـش (جیمی کارتر) دربرگیرنده امیدوارترشـدن شـاه ذیل تحولات بسـیار سـطحی و گذرا بود؛ چنـان که جیمی کارتر در خاطرات خود چنین نوشـت: «لیستی از سـؤالات را برای شاه ارسـال کردیم و او به‌خوبی به آنها پاسخ داد. خلاصه توضیحات او به ما این بود که می‌خواهد از طریق فرماندهی نیروهای مسلح موقعیت خود را حفظ کند و به افراد غیرنظامی اجازه دهد که در مسئولیت‌های بودجه دفاعی دولت سهیم باشند. همچنین با کمک یکی از فرماندهان دربار، ائتلافی بدون دخالت او تشـکیل شـود. احسـاس او نسبت به هفته‌های گذشته بهتر شده بود. تعدادی از کارکنان شرکت نفت به علت ترس از اخراج‌شدن یا عدم پرداخت حقوق به سـر کار خود برگشته بودند. تولید نفت در روزهای اخیر دو برابر شده بود، اما اوضاع در ایران هنوز نامعلوم بود». در ادامه خاطرات می‌خوانیم: «طی تعطیلات، اوضاع در ایران بدتر می‌شد و اعتصابات بی‌شمار با رکود اقتصادی همراه بود. شخصا و از طریق وزارت امور خارجه به حمایت خود از شـاه ادامه دادم. هم‌زمان با این اقدام، ما شـاه را وادار می‌کردیم تا با قدرت بیشتر مخالفان سیاسـی خود را سـرکوب کند و تا جایی که امـکان دارد، با آنها درگیر شـود. نقشه اصلی او برای درخواست از یکی از فرماندهان برای ایجاد حکومت ائتلافی درست به نظر می‌رسید، اما با جلب رضایـت فردی که از موقعیت و حیثیت خوبـی در جامعه ایران برخوردار باشـد، با مشکلات عدیده‌ای مواجه شده بود. زیرا از یک طرف، افزایش نیروهای ضد شاه باعث ایجاد ناآرامی‌های دائمی شـده بود و از طرف دیگر، شاه مایل نبود که اختیار تام حکومت را به یک فرد تفویض کند. چند تن از خدمتگزاران او استعفا دادند و دیگران نیز خدمت‌کردن به شـاه را رد می‌کردند. به نظر می‌رسید شـاه نهایتا تصمیم گرفته نقش یک میانجی را بازی کند، اما زمان برای راضی‌کردن افراد، حتی از نزدیک‌ترین مشاوران و حامیان او، خیلی دیر شـده بود»؛ بنابراین می‌توان دو شکسـتِ بزرگ را برای کارتـر به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا در حوادث منتهی به انقلاب اسـلامی ایران و پس از آن در نظر گرفت. اولین شکست «از دست دادن ایران» بود. دومین شکسـت بزرگ هنگامی رخ داد که کارتر از تصمیم‌گیـری درباره نحوه رابطـه و تعامل با انقلابیون و حتی میانه‌روهـای ایران بازماند که بـار دیگر منجر به تضعیف جایگاه حزب دموکرات در مقابلِ حزب جمهوری‌خواه شد.

افشاگری مرحوم یزدی درباره پیام کارتر به امام

پس از وقوع انقلاب در ایران، تصور کارتر بر تداوم روابط با ایران بود و در همین راستا شاهد ارسال پیامی به امام بودیم که مرحوم ابراهیـم یزدی، وزیـر خارجه دولت موقت، در یک سـخنرانی در کاخ سعدآباد برای اولین بار پیام‌های جیمی کارتر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا و پاسـخ امام خمینی را افشـا کرد. این سخنرانی در تاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۵۸ در روزنامه آیندگان منتشـر شد. یزدی تاریخ شروع ارسال این پیام‌ها را اواسط دی ۱۳۵۷ اعلام کرد. این سند در مرکز اسـناد انقلاب اسلامی منتشر شده است. امام در واکنش به فرسـتادگان و نمایندگان حامل پیام کارتر گفتند: «پیام کارتر در دو جهت بود که یکی موافقت‌کردن با دولت بختیار یا حداقل سکوت در این شـرایط و حفظ آرامـش در این مدت و یکی هم احتمال یا پیش‌بینی کودتای نظامی و پیش‌بینی کشتار وسیع مردم که ما را از آن می‌ترسانید. اما راجع به دولت بختیار، شما سفارش می‌کنید که ما برخلاف قوانین خود عمل کنیم. بر فرض که من چنین خطایی بکنم؛ ملت ما حاضر نخواهد بود. ملت ما این‌همه مصیبت کشید، این‌همه خون داد، برای اینکه از زیر بار رژیم سلطنتی و رژیم پهلوی خارج شـود. ملت حاضر نیسـت که تمام خون‌ها به هدر برود و شـاه به سلطنت باقی باشد یا برود و بدتر از اول برگردد. نه حاضر است که شورای سـلطنت را قبول کند و آن‌هم مخالفت قانونی است که من مکرر تشریح کرده‌ام. و اما قضیه اینکه آرامش باشد، ما همیشـه می‌خواهیم مملکت آرام باشـد و مردم ما با آرامش زندگی کنند؛ اما به دست آوردن آرامش با وجود شاه، امکان ندارد. آقای کارتر اگر حسن نیت پیدا کرده‌اند و می‌خواهند آرامش باشد و خون‌ها ریخته نشـود، خوب اسـت که شـاه را ببرند و از دولت بختیار پشتیبانی نکنند و به میل ملت که یک امر مشروعی است، تسـلیم شوند و از میل ملت جلوگیری نکنند و اما قضیه کودتا که الان از ایـران به من اطلاع داده‌اند، یک کودتای نظامی در شـرف تکوین اسـت و می‌خواهند کشتار زیادی بکنند و از من خواسته‌اند کالاهای آمریکایـی را تحریم کنیم و به آمریکا اخطار کنیم که اگر چنین کودتایی بشود، از چشم شما می‌بینیم و اگر شما حسن نیت داریـد، باید جلوگیری کنید. برای من پیغام داده‌اند که اگر کودتای نظامی بشـود، حکم جهاد مقدس باید داده شود. من کودتا را نه به صلاح ملت می‌دانم و نه به صلاح آمریکا. اگر بشـود، از چشم شما می‌دانم. من نمی‌دانم ملت بعدها با آمریکا چه خواهد کرد و من به حکم اینکه یک شـخص روحانی هستم و مصلحت بشر را همیشـه مدنظر دارم و مصلحت ملت خودم را در نظر دارم، به شـما توصیه می‌کنم که جلوی خون‌ریزی‌ها را بگیرید و نگذارید این خون‌ریزی‌ها تحقـق پیدا کند. ایران را به حال خود واگذارید و اگر بکنید، نه گرایش کمونیسـتی خواهد داشت و نه سایر مکاتب انحرافی، نه تسـلیم شـرق خواهد شد و نه تسـلیم غرب. تأکید می‌کنم اگر بخواهید آرامش در ایران حاصل شـود، راهی جز این نیست که نظام شاهنشاهی که قانونی نیست، کنار برود و ملت را به حال خود بگذارید تا من یک شـورای انقلاب تأسـیس کنم و از اشخاص پاک‌دامن برای نقل قدرت تا انتخابات مناسب حکومت مبعوث ملت انجام گیرد، در غیراین‌صورت، امید آرامش نیست و خوف آن دارم که اگر کودتای نظامی بشود، انفجاری در ایران شود که کسـی نتواند جلوی آن را بگیرد. ملت ایران از کودتای نظامی نمی‌ترسد، برای آنکه ماه‌ها است با قدرت نظامی هرچه سخت‌تر با مردم معامله شده اسـت و نتوانسته‌اند آرامش را برقرار سازند و الان نظام و ارتش از چند ماه قبل، سسـت‌تر و ضعیف‌تر است، برای آنکه در باطن ارتش اختلاف ایجاد شـده است و بسیاری به ما می‌پیوندند و کودتا را خفه می‌کنند؛ لکن با کشتاری که من میل ندارم واقع شود. من به شما توصیه می‌کنم که از کودتا جلوگیری بشود. جلوگیری کنید که اگر کودتا بشود، ملت ایران از شما می‌داند و بـرای شـما ضـرر دارد. این تمام پیام من اسـت به کارتر».

حسرتی بزرگ که انقلاب ایران به دل کارتر گذاشت

در ادامـه با تشـدید فضـای انقلابی، گسـل در مناسـبات تهران-واشـنگتن آغـاز شـد و بحـران گروگان‌گیری کارکنان سـفارت آمریکا در تهران، ۴۴۴ روز دولت کارتر را درگیر خود کرد. شکست عملیات آزادسازی گروگان‌های آمریکایی، موسوم به عملیات پنجـه عقاب، نیز آخرین تیر خـلاص به پیکر دولت جیمـی کارتر بود. یکی از اعضـای کمپین تبلیغاتی کارتر برای انتخابات ریاسـت‌جمهوری در خاطرات خود از صبح فردای شکسـت عملیـات در طبس می‌گویـد: «تلفن خانه من صبـح زود در ۲۵ آوریل ۱۹۸۰ زنگ خورد. ریک هرناندز، یکی از دسـتیاران ارشـد سیاسی رئیس‌جمهور بـود که درباره مأموریت شکسـت‌خورده و فجایع بعـد از آن صحبت می‌کرد. او گفت‌وگـو را با این جمله آغاز کرد: «ما در انتخابات شکست خوردیم». من گیج شدم. نیمه‌شب بود و علاوه‌براین، کارتر به‌تازگی کندی را در یک تقابل طولانی شکسـت داده بـود. ریک هرناندز بـا عبارات دقیقی بـه توصیف خرابی و شکست آمریکایی‌ها در بیابان پرداخت ولی در آخر جمله‌ای گفت که تا به امروز درسـت‌ترین توصیف از عواقـب آن رویداد به نظر می‌رسد. او گفت: «در همان شب [توفان طبس] کارتر در انتخابات شکسـت خورد». البته در کنار شکست کارتر در انتخابات، ناکامی در عملیات پنجه عقاب سبب استعفای سایروس ونس، وزیر امور خارجه دولت او (کارتر) نیز شد».

در مجمـوع، شکسـت هم‌زمان مذاکـرات و عملیات نظامی برای آزادی گروگان‌ها، کارتر را از ادامه کار به‌عنوان رئیس‌جمهور بازداشت و نهایتا در واپسین روز حضورش در کاخ سفید و هنگامی که مراسـم تحلیف رونالد ریگان (در کاخ سفید) در حال برگزاری بـود، هواپیمای حامل گروگان‌های آمریکایـی از تهران به مقصد آلمان پرواز کرد و به نوشـته عصر ایران، این‌گونه انقلابیون تازه به قدرت رسـیده در تهران حتی اجازه ندادند جیمی کارتر دموکرات در آخرین سـاعات ریاست‌جمهوری خود، خبر آزادی گروگان‌های آمریکایی را به شـهروندان آمریکایی بدهـد و این افتخار نصیب ریگان جمهوری‌خواه شد که در نخستین ساعات ریاست‌جمهوری خود با خبر خوش «آزادی گروگان‌های آمریکایی» شروعی موفق را در دوره هشت‌ساله ریاست‌جمهوری خود تجربه کند.

این حسـرت در طول سال‌های بعد آن‌قدر به دل جیمی کارتر مانده بود که در مراسم بازگشایی مرکز امور بشردوستانه در تایلند در آبان ماه سـال ۱۳۸۸ و در بین خبرنـگاران هم به این موضوع اشـاره داشـت و به اذعانش، «ناکامـی دولتـش در بازگرداندن گروگان‌های آمریکایی، به‌ویژه شکسـت عملیات پنجه عقاب که طی آن شـماری از نظامیان این کشور کشته شدند، سبب پیروزی «رونالد ریگان» در انتخابات آمریکا شده است». البته کارتر در همان مراسم تأکید داشت «هیچ موردی برای پشیمانی درباره مذاکره با تهران که بیش از ۳۰ سـال پیش بـرای آزادی گروگان‌ها از طرف دولت او انجام شـد، وجود ندارد». به گفته رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، «هرچند حمله نظامی به‌عنوان یکی از راه‌حل‌های بحران گروگان‌گیری مدنظر قرار داشته است، با این حال او راه‌حل مذاکره را بـه منظور بازگرداندن گروگان‌ها به آمریکا برگزیده بود». جیمی کارتـر دراین‌باره ادعا کرد «مشـاوران اصلی من بر حمله به ایران تأکید می‌کردند. من می‌توانستم با سلاح‌هایی که در اختیار داشتم، ایران را ویران کنم. اما احسـاس می‌کردم که ممکن است در این ماجرا گروگان‌ها هم کشته شوند و من نمی‌خواستم ۲۰ هزار ایرانی را بکشم. برای همین به ایران حمله نکردم».

خبر

هشدار عضو فقهای شورای نگهبان: ممکن است در اثر بی‌توجهی مسئولان کار به جایی برسد که مانند آن را در سوریه دیدیم

عضـو جامعـه مدرسـین حوزه علمیـه قم بـا تأکیـد بر ضـرورت هوشـیاری در مقابـل فتنه‌هـای دشـمنان گفت: ممکن اسـت در اثر بی‌توجهـی مسـئولان و گروهـی از مردم کار به جایی برسد که مانند آن را در سـوریه دیدیم. به روایت ایلنا، آیت‌الله مهدی شب‌زنده‌دار در جلسه درس خـارج فقـه خود در مسـجد اعظم قم با گرامیداشت حماسه روز نهـم دی اظهار کرد: حماسـه نهم دی را گرامـی می‌داریم و از خداوند متعـال برای نعمـت بصیرت که به ملت شـریف ایران عنایـت فرموده سپاسـگزاریم. به‌گونـه‌ای کـه هم ولایـت اهل بیـت علیهم‌السـلام را دارند و هم با حضور خود در صحنه بـه اندک افـرادی که نسـبت به آن اولیـای الهی جسـارت و بی‌توجهی می‌کننـد واکنـش نشـان می‌دهند. دبیر شـورای عالی حوزه‌های علمیه کشـور افزود: خداوند را نسـبت به نظام الهی و جمهوری اسـلامی که هدیه‌ای اسـت که خدای متعال در اثر مجاهدت‌هـا و پیگیری‌های امام راحـل رضوان‌الله‌علیـه و وفاداری همه اقشـار مختلف بـه وجود آمد، شـکرگزاریم. آیت‌الله شـب‌زنده‌دار ادامـه داد: در طول سـال‌های بعد از انقـلاب هرگاه مشـاهده شـد که خطری متوجه انقلاب عظیم‌الشـأن بوده مردم در میدان‌ها حاضر شـده و وفـاداری خـود را بـه آرمان‌های نظام اسلامی اظهار نموده‌اند، از این جهت ۹ دی بسیار روز بزرگی و یکی از ایام‌الله بسـیار مهم اسـت. عضو فقهای شورای نگهبان بیان کرد: روز ۹ دی یکـی از ایام‌الله بسـیار مهمی است که نشان‌دهنده وفاداری مردم نسـبت به اهل‌بیت علیهم‌السـلام و نظام جمهوری اسـلامی است، البته خیلی باید توجه داشـت که دشمنی دشمنان همیشه آشکار نیست، بلکه در مواردی واضح و آشـکار اسـت، مـردم واکنش نشـان می‌دهند. دبیر شـورای عالی حوزه‌هـای علمیه در ادامه افزود: گاهی برنامه‌های دشمن به‌نحوی اسـت که به‌طور آهسته و مخفیانـه عقاید و احساسـات مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهند و سـعی بر کم‌رنگ‌کردن ایمـان مردم دارند. عضو جامعه مدرسـین حوزه علمیه قـم با تأکیـد بر ضرورت هوشـیاری در مقابـل فتنه‌های دشـمنان گفت: ممکـن اسـت در اثـر بی‌توجهـی مسـئولان و گروهی از مـردم کار به جایی برسد که مانند آن را در سوریه دیدیم. آیت‌الله شب‌زنده‌دار با اشاره به نقشه‌های دشمنان در قالب جدید گفت: آزادی‌هایی که افراد محدودی به دنبـال آن هسـتند کـه در مقام تعارض منافع و زیان‌ها خیلی زیادی دارد، بایـد دقت کرد که نقشـه‌های دشمنان هسـتند البته گاهی ممکن اسـت بعضی از منافع در اثر بعضی محدودیت‌هـا از بین بـرود، اما باید دید ضرر و زیان‌هایی که ممکن است بـر اثر بعضی از رفتارها ایجاد شـود در چه حدی اسـت، اگـر آن ضررها موجب این بشـود که جوان‌ها، اقشار مختلـف، زن‌هـا، دخترها و پسـرها نسبت به اسلام، ائمه علیهم‌السلام، انقلاب اسـلامی و ارزش‌ها کم‌توجه بشوند، آن وقت روز شادمانی دشمن خواهد بود، روزی خواهد بود که آنها پیوسـته به دنبال آن بود